

دورموزنرکان
استاد حقوق در دانشکده حقوق
دانشگاه دکوز ایلول از میر
مترجم: علی اوسط جاویدزاده

استرداد در حقوق ترکیه*

بخش اول - کلیات

الف - تعریف استرداد

استرداد نوعی معاضدت قضائی است که یک دولت، فردی را به منظور انجام تعقیبات قضائی یا اجرای حکم کیفری قطعی و لازم‌الاجرا به دولت دیگری تسلیم می‌کند. در گذشته، این نوع معاضدت قضائی بین‌الدولی اساساً بر پایه دوستی بین دولت‌ها استوار بود ولی، در حال حاضر، بیشتر به منظور همکاری در زمینه مبارزه با بزهکاری بین‌المللی و تضمین حمایت از حقوق بشر انجام می‌گیرد.

هر چند در قرارداد اروپایی حقوق بشر، قاعده «منع تعقیب مجدد» به عنوان حقی اساسی شناخته نشده است ولی حقوق کیفری همواره در پی تحقق این هدف والاست که از بی‌کیفرماندن مجرمان و در عین حال، تعقیب و محاکمه مجدد آنان به خاطر ارتکاب یک جرم جلوگیری نماید. هدف متخصصین حقوق کیفری معاصر نیز یافتن

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

روش عادلانه‌یی است که همزمان رعایت این دو قاعده را تضمین کند. استرداد یکی از روشهای سنتی و قدیمی معاضدت قضائی است که برای این منظور به کار می‌رود. در حقیقت، استرداد این امکان را فراهم می‌کند که مجرم در کشور محل وقوع جرم محاکمه شده و بدین ترتیب، از صدور احکام چندگانه پرهیز شود.

از لحاظ تاریخی نیز، نخستین قراردادهای راجع به استرداد براساس روابط دوستانه بین فرمانروایان منعقد می‌شد و متقابلاً متعهد می‌شدند مخالفان سیاسی خود را به همدیگر تسلیم کنند. مؤلفان زیادی بر این باورند که پیدایش استرداد به قرون وسطی برمی‌گردد. قدیمی‌ترین قرارداد استرداد در موافقت‌نامه صلح «کادش» در سال ۱۲۹۵ بین پادشاه «هتلیلیت هاتوشی» و «رامسس دوم» منعقد شده است. این قرارداد منع بدرفتاری با مستردشوندگان و فرزندان آنان را تضمین می‌کرد. از دیدگاه حقوق و آیین دادرسی کیفری، انجام تعقیبات کیفری و در صورت محکومیت، اجرای حکم در کشور محل وقوع جرم محاسن و مزایای فراوانی دارد که جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم و کارایی و عبرت‌آموزی اجرای مجازات از آن جمله می‌باشد. به همین دلیل است که کشورهای خانواده حقوق آنگلو-ساکسون همواره، حتی در مورد اتباع خود، طرفدار استرداد بوده‌اند.

ب- اصول حاکم بر حقوق استرداد

اصول حاکم بر حقوق استرداد دو دسته‌اند: اصول حقوق داخلی کشورهای مربوطه و اصول حقوق بین‌الملل مندرج در قراردادهای، اصول دسته اول ممکن است در قالب یک قانون خاص داخلی و یا تحت عنوان یکی از مواد قانون جزای ملی آورده شود. اصول دسته دوم نیز ممکن است در قراردادهای دو یا چند جانبه مربوط به استرداد آورده شود. در غیر این دو مورد، طبق عرف بین‌المللی و اصل معامله متقابل عمل می‌شود. در قراردادهای دیگری مانند قرارداد وین ۱۹۸۸ مربوط به قاچاق

غیرقانونی مواد مخدر و روانگردان، به منظور اجتناب از مشکلاتی که ممکن است در این زمینه مطرح شود، قواعد خاصی به عنوان اصول فرعی راجع به استرداد پیش‌بینی شده است. برخی از کشورها مانند سوئیس، فرانسه و بلژیک از مدتها پیش، علاوه بر قراردادهای دو یا چند جانبه، اصول کلی استرداد را در قوانین ملی خود آورده‌اند. ترکیه در این خصوص قانون خاصی را وضع ننموده و تنها به ذکر چند اصل کلی در ماده ۹ قانون جزا بسنده نموده است. به موجب این ماده: «دولت ترکیه به تقاضای یک کشور خارجی مبنی بر بازگرداندن تبعه ترکیه به خاطر ارتکاب جرم ترتیب اثر نمی‌دهد. دولت ترکیه به تقاضای کشور خارجی مبنی بر بازگرداندن تبعه خارجی به خاطر ارتکاب جرائم سیاسی یا جرائم مرتبط با آن ترتیب اثر نمی‌دهد. دادگاه جنحه محل یافت‌شدن شخص مورد تقاضا پس از دریافت تقاضانامه استرداد، در مورد تابعیت شخص مورد تقاضا و نیز نوع جرم بررسی نموده و در صورتی که تشخیص دهد شخص مورد تقاضا تبعه خارجی است و جرم یک جرم عمومی است، درخواست بازگرداندن مجرم مورد قبول ترکیه واقع خواهد شد. قاضی تحقیق (بازپرسی) محل می‌تواند دستور دستگیری شخص مورد تقاضا را صادر و عندالزوم نیابت قضائی دهد.»

وجود یک قانون خاص در زمینه استرداد این اجازه را به ما می‌دهد که به قانون جزای ملی به عنوان یک منبع فرعی مراجعه کنیم. این قانون خاص راهکار روشنی نیز به بحث نظریه پردازیهای راجع به امکان رد یک مجرم به کشورهایی که ملحق به یک قرارداد نیستند، ارائه می‌دهد. از آنجا که قانون جزای ترکیه بیشتر از قانون جزای ایتالیا موسوم به قانون «زاناردلی» مصوب ۱۸۸۹ الهام گرفته در نتیجه، بخشی از دکترین حقوقی ترکیه به دکترین حقوقی ایتالیا رجوع می‌کنند که به موجب آن در صورت فقدان قرارداد استرداد یا قانون ملی که صریحاً استرداد را پیش‌بینی کند با استرداد موافقت نخواهد شد. در نگاه اول، به نظر می‌آید که ماده ۶ قانون جزای ترکیه - مربوط به

صلاحیت جهانی - می‌تواند این تفسیر را توجیه کند. اما بر پایه نظریه دیگری، در فرض مذکور باید به اصل «گروسیوس» - یا استرداد یا مجازات - مراجعه کرد.

به نظر می‌رسد دیوان عالی کشور ترکیه در رأی مورخ ۱۳ آوریل ۱۹۴۹ به طور ضمنی نظریه اول را مورد تأیید قرار داده است. در این رأی تقاضای تسلیم هواپیماربایانی که هواپیمای بلغارستان را ربوده و به ترکیه برده بودند، با این استدلال که شرایط صلاحیت جهانی به مفهوم مندرج در ماده ۶ جمع و احراز نشده است، رد شد. ولی، رویه عملی ترکیه نشان می‌دهد که استرداد حتی در صورت نبود قرارداد نیز انجام می‌شود. مثلاً در سال ۱۹۸۲، دولت ترکیه از تونس تقاضا کرد تا ثروتمند تبعه ترکیه به نام «بانکرکاستلی» را به ترکیه بازگرداند. همچنین، می‌توان به بازگرداندن یک فرانسوی به نام "Chauvel Bize" را به فرانسه نام برد در حالی که تا آن موقع یعنی سال ۱۹۵۲ بین ترکیه و فرانسه هیچ قراردادی در این خصوص وجود نداشت. لازم به یادآوری است که فرانسه در سال ۱۹۸۶ قرارداد اروپایی استرداد مصوب ۱۳ دسامبر ۱۹۵۷ را تصویب و به آن پیوست.

ترکیه درخصوص استرداد مجرمان قراردادهای دوجانبه متعددی را با کشورها منعقد نموده که از آن میان می‌توان قراردادهای منعقد شده با پاکستان، سوریه، ایالات متحده آمریکا، عراق، ایران، اردن، لیبی، رومانی و تونس را نام برد. بعلاوه، ترکیه با عضویت در قرارداد اروپایی استرداد روابط خود را با کشورهای عضو آن قرارداد تنظیم و هماهنگ می‌کند. تا ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵، کشورهای زیر به عضویت قرارداد اروپایی استرداد درآمده‌اند: آلمان، اتریش، بلغارستان، شیلی، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، فرانسه، یونان، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، لتونی، لیتوانی، لوگزامبورگ، نروژ، هلند، لهستان، جمهوری چک، انگلستان، اسلواکی، اسلونی، سوئد، سوئیس و ترکیه (اسرائیل و کرواسی نیز این قرارداد را امضاء کرده‌اند).

ترکیه در روابط خود با کشورهایی که عضو قرارداد اروپایی استرداد نیستند یا

براساس قرارداد دو جانبه عمل کرده (مانند بلژیک و رومانی) و یا براساس عرف بین‌الملل و قاعده معامله متقابل (مانند فرانسه تا پیش از سال ۱۹۸۶). از سوی دیگر، گاهی مقامات ترکیه برای پرهیز از هزینه‌های گزاف در استرداد مجرمان، به فنون دیگری غیر از استرداد متوسل می‌شوند.

هنگامی که برای دستگیری تبعه ترکیه در خارج نیابت قضائی داده می‌شود یا هنگامی که قرار است یک مجازات سالب آزادی در مورد آن اجرا شود، مقامات ترکیه براساس ماده ۳-۲۳ قانون راجع به گذر نامه مصوب ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۰ و اصلاحیه ۲۵ فوریه ۱۹۸۸ آن، گذرنامه شخص مورد تقاضا را باز پس گرفته و به جای آن یک بلیط مسافرت می‌دهند که شخص مورد تقاضا با آن تنها می‌تواند به ترکیه برگردد.

چنین تدبیری که در قانون ترکیه نیز مقرراتی برای آن اندیشیده شده، قابل ایراد و انتقاد بوده و کارآیی آن محل تردید می‌باشد. نظر به اینکه ترکیه عضو قرارداد اروپایی راجع به انتقال تعقیبات کیفری و نیز قراردادهایی که احکام کیفری بین‌المللی را معتبر می‌دانند، می‌باشد بنابراین، توسل به آیین‌نامه‌های معاضدت قضائی که در این قوانین پیش‌بینی گردیده، عاقلانه‌تر و منطقی به نظر می‌آید. وانگهی، قراردادهای دوجانبه‌یی که ترکیه یا برخی کشورهای همسایه و هم‌مرز بسته است، صریحاً امکان تسلیم شخص مورد تقاضا به یک پست مرزی را پیش‌بینی نموده تا از صرف هزینه بیشتر پرهیز شود (مانند ماده ۷ قرارداد ترکیه - ایران، ماده ۱۲ قرارداد ترکیه - عراق و ماده ۲/۱۲ قرارداد ترکیه - سوریه). در این‌گونه موارد استناد به ماده ۳-۲۳ قانون راجع به گذرنامه بیهوده و غیرضروری به نظر می‌رسد. در حالتی که شخص مورد تقاضا رضایت خود را دایر بر تسلیم به کشور متقاضی به مقامات قضائی اعلام می‌کند، حقوق ترکیه قواعدی ندارد که به استناد آن عملیات انتقال و تسلیم مجرم تسریع شود. لکن، در قرارداد مربوط به آیین ساده استرداد که در سال ۱۹۹۵ بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا بسته شده، برای این‌گونه موارد تدابیری اندیشیده شده و راهکارهایی پیش‌بینی گردیده است.

بخش دوم - اصول استرداد در حقوق ترکیه

اصول حاکم بر استرداد در حقوق ترکیه را تحت سه عنوان شرایط استرداد، آیین استرداد و قاعده تخصیص و پیامدهای آن در استرداد مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول - شرایط استرداد

الف - شرایط مربوط به جرم

۱- شرط جرم‌انگاری متقابل: فعل یا ترک فعلی که به خاطر آن استرداد انجام می‌گیرد باید طبق قوانین دولت متقاضی و دولت متقاضی‌عنه جرم باشد. براساس ماده ۹ قانون جزای ترکیه این جرم باید از درجه جنایت یا جناحه باشد. در برخی قراردادهای معیار و ضابطه استرداد «حداقل مجازات جرم» و در برخی دیگر، «جرائم احصاء شده در قرارداد» می‌باشد.

۲- امکان انجام تعقیبات کیفری: منظور از آن این است که جرم مشمول مرور زمان نشده باشد؛ شکایت طبق شرایط طرح شده باشد و مجرم از عفو عمومی استفاده نکرده باشد، با این حال، در برخی از قراردادهای پیش‌بینی شده که تقاضای بازگرداندن مجرم جریان مرور زمان را معلق می‌سازد. در برخی قراردادهای دیگر، در مواردی که تعقیبات کیفری به شکایت شاکی بستگی دارد، اگر شاکی وجود نداشته باشد استرداد پذیرفته نشده یا امری اختیاری تلقی شده است.

۳- شدت و اهمیت جرم: قانون جزای ترکیه با تصریح به این که جرم باید از درجه جنایت یا جناحه باشد، از معیارهای «حداقل مجازات جرم» و «جرائم احصاء شده در قرارداد» استفاده ننموده است. با این حال، در برخی قراردادهای دوجانبه از همین دو معیار پیروی نموده است؛ مثلاً ماده ۲ قرارداد دو جانبه ترکیه - بلژیک فهرست و عناوین جرائمی را که در مورد آنها می‌توان رد مجرم را تقاضا نمود، مشخص و ذکر

نموده است. قراردادهای دوجانبه ترکیه - عراق و ترکیه - سوریه نیز با تفکیک قائل شدن بین هدف تعقیبات کیفری تصریح نموده‌اند که اگر استرداد برای انجام تعقیبات کیفری صورت گیرد باید حداقل مجازات پیش‌بینی شده برای جرم موضوع استرداد یک‌سال حبس و در صورتی که استرداد برای اجرای حکم کیفری صورت گیرد، باید حداقل مجازات اعلام شده شش ماه حبس باشد.

در قرارداد اروپایی استرداد حداقل این مجازات‌ها به ترتیب یک‌سال و چهار ماه حبس تعیین شده است.

قرارداد دوجانبه ترکیه - تونس نیز تابع شرایط مقرر در قرارداد اروپایی استرداد می‌باشد. برخی کشورها مانند فرانسه و سوئیس برای تضمین مطابقت مقررات حقوق داخلی با مقررات قرارداد اروپایی استرداد حق شرط دارند.

قرارداد دوجانبه به استرداد و معاضدت قضائی در امور کیفری بین ترکیه و ایالات متحده آمریکا از ۲۰ دسامبر ۱۹۸۰ لازم‌الاجرا و معتبر می‌باشد - دارای یک نظام مختلط می‌باشد؛ به این معنا که هم از معیار «جرائم احصاء‌شده در قرارداد» و هم از معیار «حداقل مجازات جرم» پیروی نموده است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که ترکیه به علت نداشتن قانون خاص در زمینه استرداد، در روابط خود با کشورهای دیگر از نظامهای مختلط پیروی می‌کند.

۴- اصل منع استرداد در جرم سیاسی و جرائم مرتبط با آن: ماده ۹ قانون جزای ترکیه به این اصل تصریح نموده ولی خود جرم سیاسی را تعریف ننموده است. جرم سیاسی دارای یک مفهوم پیچیده و بغرنجی است. به طور کلی، کشورها برای اینکه در مسائل داخلی دولتهای دیگر مداخله نکنند، استرداد را در جرائمی که به رژیم و حقوق سیاسی آنها مربوط می‌شود، نمی‌پذیرند.

اشاره دوپهلوی به جرم سیاسی در ماده ۹ قانون جزای ترکیه دستمایه و بهانه‌ی شده تا نظریه پردازان حقوقی جرائم سیاسی را به دو دسته تقسیم کنند: جرم سیاسی مطلق و جرم سیاسی نسبی.

در مورد جرائم سیاسی مطلق سه نظریه مختلف ابراز و ارائه شده است؛ نظریه عینی یا موضوعی، نظریه شخصی و نظریه مختلط؛ براساس نظریه عینی یا موضوعی، برای پی بردن به اینکه جرم سیاسی است یا نه، باید موضوع جرم را بررسی نمود؛ اگر جرم علیه دولت ارتکاب یافته باشد، جرم سیاسی است؛ در نظریه شخصی یا درونی آنچه معیار و مهم است انگیزه مرتکب است؛ بنابراین دولت متقاضی عهه برای پی بردن به اینکه جرم سیاسی است یا خیر، باید بررسی کند که مجرم انگیزه زیان رساندن به چه کسی را داشته است. و سرانجام، نظریه مختلط از هر دو نظریه یادشده پیروی نموده و از بیان يك قاعده کلی اجتناب می‌ورزد. طبق نظریه مختلط، هر جرمی باید جداگانه و براساس ضابطه‌های عینی (بیرونی) و شخصی (درونی) ارزیابی و بررسی شود. جرم سیاسی نسبی نیز در واقع، جرم عمومی است که با يك هدف سیاسی ارتکاب می‌یابد. مثلاً در يك مورد، دادگاه بلژیک سرقت لاستیک يك اتومبیل نظامی را که در جریان انقلاب بلشویک ارتکاب یافته بود، جرم سیاسی تلقی نمود. دیوان عالی کشور ترکیه نیز در سال ۱۹۴۵، قتل خلبان هواپیمای بلغارستان را که ربوده شده و به ترکیه برده شده بود، جرم سیاسی تلقی نمود. از نیمه قرن ۱۹ به بعد، ارائه تفسیری موسع از جرم سیاسی، واکنش افکار عمومی را برانگیخت و در نتیجه، منجر به این شد که بسیاری از جرائم سیاسی تلقی نشده و در واقع استثناء شناخته شوند. اولین استثناء به نام «قانون بلژیک» است. بلژیک در ۲۱ مارس ۱۹۵۶ قانونی را از تصویب مجلس گذراند که به موجب آن جرائم علیه رؤسای دولتهای خارجی و خانواده آنها جرم سیاسی تلقی نشد. همه قراردادهایی که پس از وضع این قانون درخصوص استرداد بین کشورها منعقد شده، به این قانون تصریح نموده‌اند. این قانون در ماده ۳-۳ قرارداد اروپایی استرداد به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. بعداً، جرائم تروریستی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی، هواپیماربائی و جرائم علیه نمایندگان سیاسی و اشخاصی که از حمایت بین‌المللی برخوردارند، نیز استثناء بر جرم سیاسی شناخته شد. به عنوان نمونه،

قرارداد لاهه ۱۹۷۰ راجع به تصرّف غیرقانونی هواپیما و قرارداد مونترال ۱۹۷۱ راجع به امنیت هواپیمایی کشوری هر دو، در ماده ۷، هواپیماربایی را استثناء بر جرم سیاسی می‌داند. این دو قرارداد با پیش‌بینی اصل گروسیوس - با استرداد یا مجازات - استرداد را اجباری نشناخته است. ماده یک قرارداد اروپایی راجع به پیشگیری از تروریسم مصوّب ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷، به استثنائات این دو قرارداد ارجاع داده و ماده ۲ آن برای جرائم علیه تمامیت جسمانی، حیات و آزادی اشخاص و نیز جرائم سیاسی علیه اموال - در صورت خطر و تهدید شدید جمعی - استرداد را امری ممکن و اختیاری دانسته است. اکنون این پرسش به میان می‌آید که آیا ترکیه می‌تواند مرتکبین جرائم سیاسی را که تقاضای بازگرداندن آنها را ردّ نموده، تحت تعقیب قرار دهد؟ در سال ۱۹۴۹، دیوان عالی کشور ترکیه درخصوص متهمین بلغاری که مرتکب هواپیماربایی شده بودند، اظهارنظر نمود که نمی‌توان آنان را تحت تعقیب قرارداد زیرا این جرم در قلمرو صلاحیت جهانی مقرر در ماده ۶ قانون جزای ترکیه وارد نشده است. ولی، پس از تصویب قرارداد لاهه در سال ۱۹۷۰، دیوان عالی کشور ترکیه تحت تعقیب قراردادن اتباع لیتوانی را که مرتکب هواپیماربایی شده بودند و تقاضای بازگرداندن آنها به روسیه ردّ شده بود، مورد تأیید قرارداد.

۵- اصل منع استرداد در جرائم نظامی: ماده ۹ قانون جزای ترکیه و ماده ۴ قرارداد اروپایی استرداد به این اصل تصریح نموده‌اند. به موجب این اصل، در جرائم خاصّ نظامی مانند «فرار از خدمت» استرداد پذیرفته نمی‌شود.

۶- جرائم مالیاتی: این استثناء که در قانون جزای ترکیه پیش‌بینی نشده به این ترتیب بیان می‌گردد: «هیچ دولتی پیگیر مالیات برای دولت دیگر نمی‌باشد». این موضوع، در ماده ۵ قرارداد اروپایی استرداد و قراردادهای دوجانبه نیز پذیرفته شده است. مع‌هذا، اکنون اعتبار آن به‌ویژه در روابط میان کشورهای که اتحادیه منطقه‌یی مانند اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند، زیر سؤال رفته و مورد انتقال و ایراد

قرار گرفته است. در پروتکل دوم الحاقی قرارداد اروپا نیز اختیار بازگرداندن مجرم به خاطر ارتکاب جرائم مالی پذیرفته شده است. از سوی دیگر، این قاعده برای اعضای اتحادیه اروپا الزامی شده، زیرا وزرای کشور و دادگستری در ۱۳ نوامبر ۱۹۹۵ راجع به اصول مشترک برای اجرای اصل استرداد در مورد جرائم مالیاتی به یک توافق رسیده‌اند. وانگهی، به منظور سرکوب جرائم سازمان یافته و مبارزه با آن که بیشتر در قالب تطهیر درآمدهای غیرقانونی پدیدار می‌شود، از زمان امضای قرارداد دو جانبه استرداد و معاضدت قضایی در امور کیفری در سال ۱۹۷۳ بین ایالات متحده آمریکا و سوئیس که برای جرائم سازمان یافته یک نوع معاضدت قضایی را پیش‌بینی نموده است، پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی به دست آمده است. در این زمینه، در سطح چند جانبه و براساس بند ۵ ماده ۷ قرارداد وین ۱۹۸۸ علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روانگردان، حفظ اسرار بانکی نیز حذف شده است.

۷- درخواست باید جدی باشد: هرگاه دولت متقاضی عنه دلایل یقین‌آوری داشته باشد که استرداد برای انجام تعقیبات در خصوص تبعیض نژادی، مذهبی، قومی یا سیاسی انجام می‌گیرد و یا براساس دلایل مختلفی تشخیص دهد که با بازگرداندن شخص مورد تقاضا موقعیت آن جداً به خطر می‌افتد، طبق ماده ۲-۳ قرارداد اروپایی استرداد می‌تواند تقاضای بازگرداندن مجرم را رد کند.

۸- جرائم مطبوعاتی: در برخی از قراردادهایی که ترکیه با کشورهای دیگر بسته، این نوع جرائم به صراحت استثناء شده است. به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۳-۴ قرارداد ترکیه - چک و اسلواکی، ماده ۱-۵ قرارداد ترکیه - بلژیک، ماده ۶ قرارداد اروپایی استرداد و قرارداد سابق ترکیه - عراق اشاره نمود. در قرارداد حسن همجواری ترکیه - عراق مصوب ۱۹۴۶، در این خصوص سخنی به میان نیامده است.

۹- صلاحیت کشور متقاضی عنه: هرگاه کشور متقاضی عنه خود، برای انجام تعقیبات کیفری صالح باشد، تقاضای بازگرداندن مجرم رد می‌شود. ماده ۲ قانون

جزای ترکیه، دادگاههای آن کشور را برای رسیدگی به جرائم ارتكابی در قلمرو ترکیه صالح می‌شناسد. گاهی يك جرم، ارتكاب یافته در دو کشور تلقی می‌شود. مثلاً بسته حاوی مواد منفجره‌یی که از آلمان ارسال شده در ترکیه در دست گیرنده آن منفجر می‌شود. در این گونه موارد، جرم ارتكاب یافته در ترکیه و آلمان تلقی می‌شود. در این صورت، ترکیه تقاضای برگرداندن مجرم را رد می‌کند. برای انواع دیگر صلاحیت نیز همین‌گونه است. اصل صلاحیت سرزمینی در ماده ۱-۷ قرارداد اروپایی استرداد و نیز در اکثر قراردادهای دو جانبه پیش‌بینی شده است. برعکس، در موردی که جرم در قلمرو دولت متقاضی‌عنه تعیین محل نشده باشد، ماده ۲-۷ این قرارداد، رد تقاضای بازگرداندن مجرم را تابع شرایط متعدّد می‌داند. در برخی قوانین ملی مانند بلژیک و تونس نیز همین رویه وجود دارد.

۱۰- قاعده «منع تعقیب مجدّد»: قاعده منع تعقیب مجدّد یکی دیگر از اصول مربوط به جرم است که هدف از آن اجتناب از استرداد در موردی است که قبلاً در خصوص جرم حکمی صادر شده و اعتبار قضیه محکوم بها را پیدا کرده است. این قاعده صریحاً در ماده ۹ قرارداد اروپایی استرداد آورده شده است.

۱۱- استرداد در جرائم مشمول مجازات اعدام: در مورد استرداد در خصوص جرائم دارای مجازات اعدام نه در ماده ۹ قانون جزای ترکیه و نه در قراردادهای دوجانبه‌یی که ترکیه با کشورهای دیگر منعقد نموده، محدودیت و منعی وجود ندارد. ولی، طبق ماده ۱۱ قرارداد اروپایی استرداد این جرائم تابع رژیم خاصی هستند؛ این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که برخی کشورهای عضو شورای اروپا مجازات اعدام را حذف و برخی دیگر مانند بلژیک آن را به حبس ابد تبدیل کرده‌اند. پروتکل شماره ۶ الحاقی به قرارداد اروپایی حقوق بشر، حذف مجازات اعدام را پیش‌بینی نموده است. در سیزدهمین کنفرانس وزراء، دادگستری کشورهای شورای اروپا که از ۱۰ تا ۱۲ ژوئن ۱۹۸۲ در آتن تشکیل شد، راجع به پذیرش این پروتکل توصیه‌نامه‌یی صادر شد.

در این توصیه‌نامه ترکیه برای خود حق شرط گذاشت. تا ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵، پروتکل به‌وسیله ۲۳ دولت از میان ۳۸ دولت عضو شورای اروپای کنونی پذیرفته شد. ماده ۱۱ قرارداد اروپایی استرداد به دولت متقاضی عنه اجازه می‌دهد، اگر مجازات اعدام در قانون خاص آن پیش‌بینی نشده و یا اجرای آن متروک شده استرداد را منوط به سپردن تضمینات کافی برای عدم اعمال مجازات اعدام از طرف دولت متقاضی بکند. در کشورهای که هنوز مجازات اعدام را اعمال می‌کنند، چنین قاعده‌یی ایراد ضمنی قانون است. در این خصوص، برخی از کشورها برای خود حق شرط و حتی برخی شرایط بسیار محدودکننده‌یی دارند: مثل ایتالیا که اعلام کرده در هیچ موردی نمی‌تواند برای جرائمی که در قوانین کشور متقاضی مجازات اعدام پیش‌بینی شده تقاضای بازگرداندن مجرم را بپذیرد یا مانند سوئد که بررسی مطابقت تقاضا با تعهدات بشر دوستانه را برای خود حفظ می‌کند. ترکیه نیز با اعلام روش و حدود تضمینات به دبیرکل شورای اروپا برای خود حق شرط قائل شده است. ترکیه از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱ در هیچ مورد مجازات اعدام را اعمال ننموده است. برخی کشورها مانند آلمان این رویه ترکیه را برای منع مجازات اعدام يك ضمانت کافی تلقی و رد مجرم‌ان به آن را پذیرفته است. ولی کشورهای دیگر بر این باورند که ضمانتی که ترکیه در حدود حق شرط داده ناکافی است و در صورت فقدان حکم کیفری، استرداد را رد می‌کنند. به استثنای تعداد محدودی که در سال ۱۹۸۱ در زمان رژیم نظامی به خاطر اعمال تروریستی اعدام شده‌اند، چندین سال است که ترکیه اصلاً مجازات اعدام را اعمال ننموده است. از سوی دیگر، با اصلاح قانون جزای ترکیه در سال ۱۹۹۰، مجازات اعدام حذف و تنها برای برخی موارد مانند قتل اطفال پس از ربودن آنها (ماده ۴۳۹) و هدایت ورهبری باند تبهکاران برای قاچاق موادمخدر (ماده ۴۰۳) و تعدد محکومیتها به حبس ابد (ماده ۷۰) به جای اعدام، حبس ابد پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر، قانون شماره ۳۷۱۳ مصوب ۱۲ آوریل ۱۹۹۱ در مورد مبارزه با تروریسم در مواد ۱۵۱ و ۴

مقرر نموده کسانی که به مجازات اعدام محکوم شده و ۱۰ تا ۲۰ سال حبس را سپری کرده باشند می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند. به علاوه، ماده ۱۷ قانون جزای ترکیه که با تصویب ماده ۳ قانون شماره ۳۶۷۹ مصوب ۶ ژوئن ۱۹۹۱ اصلاح شده، پیش‌بینی می‌کند که در صورت نبود فایده در آزادی مشروط، محکومین به مرگ که حکم آنها به وسیله مجلس ملی تصویب شده، حداکثر ۴۰ سال حبس را تحمل خواهند نمود. بالاخره، ماده ۱۹ قانون شماره ۶۴۷ مصوب ۱۹۶۵ راجع به اجرای مجازات‌ها تصریح دارد که محکومین به مرگ که حکم آنها تصویب نشده می‌توانند پس از سپری کردن ۳۰ سال حبس از آزادی مشروط استفاده نمایند. برخی کشورها به ویژه آلمان - تعداد زیادی از کارگران ترکیه در آنجا هستند - معتقدند که این پیشرفت‌ها یک ضمانت کافی برای رد تقاضای ترکیه مبنی بر رد مجرم می‌باشد، برخی دیگر به این بسنده نکرده و هنوز یک ضمانت شکلی را در صورت صدور مجازات اعدام، لازم و ضروری می‌دانند. این ضرورت چندان توجیهی هم ندارد چون اصل تساوی شهروندان در برابر قانون را نقض می‌کند. به شرط حذف و الغای مجازات مرگ - حداقل در زمان صلح دادن چنین ضمانتی به یک مجرم فراری به خارج، مطابق با اصول حقوقی به نظر نمی‌رسد چون همان تضمینات برای کسانی که در ترکیه مانده‌اند، وجود ندارد. کشورها به تضمیناتی که ممکن است به مجرمان جرائم عمومی داده شود بسنده نکرده و در واقع به آنها پناهندگی می‌دهند و به استثنای انجام تعقیبات در حدود اشکال نوین معاضدت قضایی مانند انتقال تعقیبات، عدم مجازات آنها را تضمین و تأمین می‌کند. این رویه در کنار پناهندگی سیاسی، به واکنش یک گروه تازه‌یی از پناهندگان که می‌توان آنها را پناهندگان قضایی نامید، منتهی می‌شود.

ب - شرایط راجع به شخص مورد تقاضا

۱ - اصل منع استرداد اتباع داخلی: این قاعده که مدت زیادی است در ماده ۳-۹

قانون جزای ترکیه آمده، از سال ۱۹۸۲ که وارد اصل ۳۸ قانون اساسی شده، ارزش اصل قانون اساسی را پیدا کرده است و در کلیه قراردادهای دوجانبه استرداد نیز که ترکیه عضو آن می‌باشد، آورده شده است. بند a-۱ ماده ۶ قرارداد اروپایی استرداد آن را نه به عنوان یک قاعده مطلق بلکه به عنوان یک اختیار پذیرفته است. این قاعده در خانواده حقوق انگلوساکسون عملاً قابلیت اجرایی ندارد. به این ترتیب است که کشورهای ایالات متحده آمریکا در قرارداد دوجانبه استرداد مصوب ۱۹۸۰ بطور یکجانبه استرداد اتباع خود به ترکیه را پذیرفته‌اند. ماده ۵ قانون جزای ترکیه در مواردی که اتباع ترکیه در خارج مرتکب جرم شده و در ترکیه یافت شوند برای تحت تعقیب قراردادن آنها به دادگاههای ملی صلاحیت می‌دهد. و در مواردی که در خارج مورد تعقیب قرارنگرفته باشند، همتا تعهدات برای آنها وجود دارد. درخصوص کسب تابعیت در این گونه موارد مقررات مختلفی وجود دارد؛ برخی قوانین مانند قوانین جزای آلمان، به تاریخ کسب تابعیت توجه ننموده و قاعده منع استرداد اتباع داخلی را در کلیه موارد اعمال می‌کنند. در ترکیه، قانون این حالت را پیش‌بینی ننموده است. قرارداد اروپایی استرداد به نوبه خود پیش‌بینی نموده که تابعیت زمان تصمیم به استرداد باید مورد لحاظ قرارگیرد و ضمناً به دولت متقاضی عنه اختیار داده کسب تابعیت پس از اتخاذ این تصمیم را مورد توجه قراردهد.

۲- وضعیت خارجیانی که به طور دائم یا بلندمدت در ترکیه اقامت دارند: حقوق ترکیه این دسته از اشخاص را بطور جداگانه مد نظر قرار نداده است. برعکس، قسمت دوم از بند اول ماده ۶ قرارداد اروپایی استرداد با الهام از حقوق انگلوساکسون به کشورها اجازه داده تا این‌گونه اشخاص را از حقوق شناخته شده برای اتباع خودشان منتفع و برخوردار سازند.

گفتار دوم - آیین دادرسی استرداد

در حال حاضر، استرداد از طریق دیپلماتیک در قالب قراردادهای بین کشورهای

مربوطه و اجرای آیینهای کاملاً مشخصی انجام می‌شود. استرداد مستلزم داشتن شرایط زیر می‌باشد:

۱- شرایطی که دولت متقاضی باید داشته باشد: دولت متقاضی باید مطابق ضوابط تصریح‌شده در قرارداد، درخواستی مبنی بر ردّ مجرم تسلیم کند. در تقاضانامه باید اطلاعات دقیق و جزئی مربوط به جرم، مجازاتهای قابل اعمال یا اعلام شده، تعقیبات کیفری و هویت شخص مورد تقاضا از قبیل امضاء و آثار انگشتان ذکر و آورده شود. در این باره به‌عنوان نمونه می‌توان به ماده ۱۲ قرارداد اروپایی استرداد و ماده ۷ قرارداد ترکیه با ایالات متّحده آمریکا استناد و رجوع نمود. در ترکیه، دادگاهها درخواستهای استرداد را به دادرسی محلّ ارجاع داده و از آنجا به وزارت دادگستری ارسال می‌گردد. از این پس، مسیر حقوق بین‌الملل و روابط خارجی وزارت دادگستری آغاز می‌شود. دادگستری درخواستها را بررسی، پرونده را آماده و عنداللزوم، بازداشت موقت شخص مورد تقاضا را درخواست می‌نماید.

طبق ماده ۶ قرارداد اروپایی استرداد، مدت بازداشت موقت نباید از ۱۸ روز و در صورت تمدید، از ۴۰ روز تجاوز کند. در قراردادهای دوجانبه‌یی که ترکیه با دولتها منعقد نموده، این مدت زمان به ترتیب یک‌ماه و دو ماه می‌باشد. بین اعضای پلیس جنایی بین‌الملل، تصویر برابر اصل از طریق مراکز ملّی انترپول جریان پیدا کرده و ارسال می‌شود.

۲- بررسی درخواست ردّ مجرم و تدابیر متّخذه بوسیله دولت متقاضی عنه: وزارت امور خارجه دولت متقاضی درخواست ردّ را به وزارت امور خارجه دولت متقاضی عنه ارسال می‌دارد و وزارت امور خارجه آن را به وزارت دادگستری ارسال می‌کند. وزارت دادگستری ترکیه پس از وصول درخواست ردّ، پرونده را به دادرسی محلّ اقامت شخص مورد تقاضا ارسال نموده و در صورت لزوم، دادرسی را از طریق دورنویس «تلگرام» آگاه می‌سازد. سپس، دادگاه بدوی حوزه قضایی دادرسی، محل اقامت

شخص مورد تقاضا، در مورد تابعیت شخص و خصیصه عمومی بودن جرم بررسی لازم را انجام می‌دهد. در صورت تحقق شرایط مربوط به جرم، قاضی تحقیق دستور دستگیری متهم را صادر می‌کند. پرونده، پس از تکمیل به وسیله دادگستری به شورای دولتی که مرجع صالح در خصوص بررسی درخواست رد می‌باشد، ارجاع می‌شود.

ج - تسلیم شخص مورد تقاضا

۱- براساس قرارداد اروپایی استرداد، در صورتی که برای بازگرداندن شخص چندین درخواست انجام گرفته باشد، کشور متقاضی عنه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده به ویژه تابعیت شخص مورد تقاضا، محل وقوع جرم و ترتیب زمانی درخواستها، آزادانه تصمیم گرفته و پس از بررسی موارد یادشده مجرم را به هر دولتی که مصلحت بداند باز می‌گرداند در سال ۱۸۸۰، در جریان یه کنفرانس در آکسفورد این سه معیار به ترتیب اهمیت مشخص شده بود ولی قرارداد اروپایی استرداد این راهکار را اتخاذ ننموده است. ترکیه در برخی قراردادهای مانند مورد تونس از رویه کنفرانس آکسفورد پیروی کرده و ترتیب اهمیت آنها را مشخص نموده و در قرارداد دوجانبه با عراق، ایران، اردن، پاکستان و رومانی از آن رویه الهام گرفته است.

۲- دولت متقاضی عنه از طریق دیپلماتیک از کشور متقاضی در خصوص هویت و تاریخ اعزام کارمندی را که برای تعقیب شخص مورد تقاضا خواهند آمد، استعلام به عمل می‌آورد. اگر ترکیه خود متقاضی باشد، اطلاعات لازم از طریق اداره کل امنیتی وزارت کشور به دولت متقاضی عنه داده خواهد شد.

۳- انتقال مجرم عموماً از طریق هواپیما یا پرواز مستقیم انجام می‌شود. ترکیه با کشورهای عراق، ایران و سوریه انتقال مجرم را از طریق مرز انجام می‌دهد. براساس ماده ۲۱ قرارداد اروپایی استرداد و مقررات مشابه آن در قراردادهای دوجانبه، اگر ضرورت ایجاب کند که استرداد از طریق قلمرو زمینی یک کشور ثالث انجام گیرد، موضوع باید از کشور ثالث درخواست گردد.

۴- اگر شخص مورد تقاضا در کشور متقاضی‌عنه تحت تعقیب بوده یا در حال سپری کردن مجازات سالب آزادی باشد، این کشور می‌تواند تسلیم آن‌را به دولت متقاضی به تعویق بیاندازد. ولی براساس بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۹ قرارداد اروپایی استرداد و مقررات مشابه در قراردادهای دوجانبه، شخص مورد تقاضا ممکن است برای محاکمه یا صرفاً برای قطع جریان مرور زمان موقتاً تسلیم شود.

۵- قراردادهای متعددی مدّت زمان لازم برای تسلیم شخص مورد تقاضا را معین کرده‌اند؛ به عنوان مثال، این مدّت در قرارداد ترکیه - یوگسلاوی سابق ۱۰ روز در قراردادهای ترکیه - تونس، ترکیه - عراق و ترکیه - اردن به ترتیب ۱۵ و ۱۳ و ۳۰ روز تعیین شده است.

۶- قرارداد اروپایی استرداد و چندین قرارداد دوجانبه پیش‌بینی کرده‌اند که تسلیم شخص مورد تقاضا ممکن است تا زمان اجرای مجازاتی که شخص در کشور متقاضی‌عنه به آن محکوم شده، به تأخیر بیافتد. در عمل این قاعده و روش این سؤال را مطرح می‌کند که آیا این شخص می‌تواند پیش از پایان مجازات از آزادی مشروط استفاده کند یا خیر؟ این سؤال که تحت تأثیر ماده ۱۸ قانون اجرای مجازات مطرح و مورد بحث و بررسی واقع شده، در قالب رعایت حقوق کلیه طرفین پاسخ داده شود. براساس این قانون، دادستان کلّ می‌تواند براساس آزادی مشروط از دادگاه درخواست نماید، تبعه خارجی را که حضور وی در ترکیه نامطلوب تشخیص داده می‌شود، اخراج کند. پس طبق این ماده قانونی می‌توان فرد را قبل از استرداد نیز به دولت متقاضی تسلیم نمود.

گفتار سوم - قاعده تخصیص در استرداد و پیامدهای آن

از آنجا که استرداد مهمترین شیوه معاضدت قضائی است، طبیعتاً، دولت متقاضی باید درخصوص محاکمه شخص مورد تقاضا و اجرای مجازاتی که ممکن است در مورد

آن اعمال شود، پایبند برخی تعهدات باشد. در استرداد شخص مورد تقاضا تنها در حدود جرم موضوع استرداد مورد محاکمه قرار می‌گیرد؛ زیرا، گسترش دامنه تعقیبات کیفری به جرائم دیگر به‌ویژه جرائم سیاسی، منجر به سوءاستفاده از استرداد می‌شود.

قاعده تخصیص استرداد دارای پیامدهای زیر می‌باشد:

۱- طبق يك قرارداد دوجانبه، چندجانبه یا عرف بین‌المللی، شخص مورد تقاضا نباید برای جرائمی که پیش از تسلیم آن در کشور منقاضی‌عنه مرتکب شده تحت تعقیب و محاکمه قرارگیرد؛ نباید از آزادیهای خود محروم شود و هرگز نباید به کشور ثالث مسترد شود (ماده ۱۴ قرارداد اروپایی استرداد و مقررات مشابه آن در قراردادهای چندجانبه).

۲- براساس بند ۳ ماده ۱۶ قرارداد اروپایی استرداد و مقررات مشابه آن در قراردادهای دوجانبه، اگر در جریان دادرسی و رسیدگی به جرم، عنوان آن تغییر یابد، در صورتی که عنوان جرم جدید با اصول استرداد تطابق داشته باشد، دادرسی ادامه خواهد داشت و اگر مجازات عنوان جدید اشد باشد، کسب اجازه کشور مستردکننده الزامی خواهد بود.

۳- موافقت و رضایت شخص مورد تقاضا هیچ‌گاه انجام تعقیبات کیفری را توجیه نمی‌کند زیرا، از آنجا که این موافقت و رضایت ممکن است در نتیجه تهدید و زور کسب شود، مورد تردید و تشکیک واقع می‌شود.

۴- برخی قراردادها مانند ماده ۲۷ قرارداد ترکیه - مجارستان ابلاغ نتیجه دادرسی و نیز ارسال يك نسخه از رونوشت برابر اصل از حکم محکومیت را پیش‌بینی کرده‌اند. با این حال، در مورد این تعهدات برخی استثناها پیش‌بینی شده است:

الف - شخص مستردشده ممکن است با موافقت کشور مستردکننده برای جرائم

دیگر نیز تحت تعقیب و محاکمه قرارگیرد.

ب - اگر شخص مستردشده در مهلت تعیین شده و علیرغم اینکه می‌توانسته، کشوری را که به آن تسلیم شده، ترک نماید، کشور متقاضی می‌تواند او را برای جرائم دیگر نیز تحت تعقیب قرار دهد.

ج - به‌همان ترتیب، اصل تخصیص در مورد شخصی که پس از ترک کشور محل تسلیم، به‌دلخواه دوباره به آنجا برمی‌گردد، اجراء نمی‌شود.

د - و سرانجام، در صورت موافقت کشور تسلیم‌کننده، می‌توان شخصی را که به يك کشور ثالثی تسلیم شده، مسترد نمود. اصل تخصیص تنها جرائم ارتكابی قبل از استرداد را تحت پوشش قرار می‌دهد. در مورد جرائمی که پس از تسلیم شخص توسط وی ارتكاب می‌یابد، هیچ محدودیتی برای حق تعقیب آن کشور وجود ندارد.

بخش سوم - تدابیر و تصمیماتی که کشور ردکننده استرداد باید اتخاذ نماید:

در اینجا این پرسش به میان می‌آید که رفتار دولتی که استرداد را به خاطر جرائم سیاسی، نظامی یا مالیاتی رد می‌کند، در برابر مرتکب جرم چه خواهد شد؟ در پاسخ باید گفت که این کشور می‌تواند:

الف - خود، مجرم را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد.

ب - با درخواست پناهندگی مجرم موافقت نماید.

ج - او را از کشور اخراج کند.

اگر پذیرش استرداد بر پایه اصل منع استرداد اتباع داخلی باشد، درخواست باید به عنوان انصراف دولت متقاضی تلقی گردد. در ترکیه، در این گونه موارد، در صورت تحقق شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۵ قانون جزا، تعقیبات کیفری انجام می‌گیرد. در مواردی که استرداد براساس سیاسی یا نظامی بودن جرائم رد شود، تعقیبات نمی‌توانند طبق صلاحیت؛ خواه صلاحیت شخص مثبت و منفی (ناظر به بزهار و

بزه‌دیده) خواه صلاحیت واقعی شروع شوند برعکس، در مورد تبعه خارجی که جرمی از نوع جرائم عمومی را علیه خارجی مرتکب شده باشد، صلاحیت دادگاهها جز در موارد تحقق شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۶ قانون جزای ترکیه درخصوص صلاحیت جهانی پذیرفته نمی‌شود. هرگاه تبعه خارجی در خارج جرمی از نوع جرائم عمومی مرتبط با جرم دیگر را علیه تبعه خارجی مرتکب شود، موضوع قانونی بودن تعقیبات مطرح خواهد شد؛ زیرا، بررسی رویه قضایی ترکیه در این خصوص نشان می‌دهد که این تنها در موردی است که این تعهد به وسیله قراردادهای بین‌المللی به آنها تحمیل شده دادگاههای ترکیه در مورد مرتکبین جرایمی که ترکیه استرداد را در آن خصوص رد می‌کند، مجاز به اعمال صلاحیت خود می‌باشند. هنگامی که دولتها دارای نظام کیفری نباشند که تعقیب کیفری اشخاص را به آنها اجازه می‌دهد، اگر این افراد در این کشورها مرتکب جرائم شدید می‌شوند، ممکن است اخراج شوند.

بخش چهارم طرق تجدیدنظر در زمینه استرداد

۱- طرق تجدیدنظر در مراجع قضایی:

الف - طبق رویه قضائی دیوان عالی کشور، تصمیم دادگاه نخستین (دادگاه بدوی) مراجع به تابعیت شخص مورد تقاضا و نوع جرم ارزش حکم را ندارد؛ پس طبق مواد ۳۰۵ و بعد قانون آیین دادرسی کیفری ترکیه قابل اعتراض نمی‌باشد.

ب - نیابت قضایی دال بر دستگیری، خواه براساس درخواست دولت متقاضی برای بازداشت موقت شخص مورد تقاضا به منظور استرداد آن، خواه برای تکمیل تحقیقات اعطاء شده باشد، ممکن است مورد اعتراض و تجدیدنظرخواهی واقع شود. اگر اعطاء نیابت به وسیله قاضی تحقیق (بازپرس) انجام گرفته اعتراض و تجدیدنظر در دادگاههای نخستین (بدوی) و اگر بوسیله قاضی دادگاه نخستین (بدوی) انجام گرفته باشد، در دادگاه جنائی به عمل خواهد آمد (براساس مادتين ۳۰۶-۲۹۷ ق.آ.د.ک).

۲- طرق تجدیدنظر در هیأت دولت:

طبق اصل ۱۲۵ قانون اساسی ترکیه، به استثنای سه مورد، کلیه اقدامات و تصمیمات دولت قابل تجدیدنظر و اعتراض می‌باشد. این سه استثنا عبارتند از: تصمیماتی که در صلاحیت خاص رئیس جمهور می‌باشد، تصمیمات شورای عالی نظامی و تصمیمات شورای عالی قضات و دادستانها.

هر چند که هیأت دولت اصولاً مرجع بازنگری و تجدیدنظر در آخرین مرحله تصمیمات و احکام صادره از دادگاههای اداری است ولی در مراحل نخستین و آخرین برخی قضایا و پرونده‌هایی که صریحاً در قانون شماره ۲۵۷۵ مصوب ۱۹۸۲ راجع به هیأت دولت پیش‌بینی شده مثل مصوبات دولت، مرجع تجدیدنظر نیز می‌باشد.

پس، می‌توان طبق ماده ۱-۲۴ قانون راجع به هیأت دولت نسبت به ابطال حکم استرداد که در هیأت وزیران صادر شده، اعتراض و تجدیدنظرخواهی نمود. اصل ۱۲۵ قانون اساسی ترکیه مصوب ۱۹۸۲ به صراحت نظریه عمل دولت را کنار نهاده است. شورای دولتی تنها مرجع ذیصلاح برای بررسی مطابقت مصوبات مورد نظر با حقوق می‌باشد ولی نمی‌تواند تصمیم قضایی بگیرد که خصیصه سندی داشته باشد یا به‌گونه‌یی باشد که مانع اعمال اجرائی یا حذف تشخیص دولت باشد.

شورای دولتی با در نظر گرفتن این چارچوب چنانچه تشخیص دهد که در تصمیم، قاعده صلاحیت رعایت نشده یا اینکه ایراد شکلی دارد یا اینکه آثار و پیامدهای تصمیم راجع به استرداد مخالف اصول اعلام شده در قانون ترکیه می‌باشد، می‌تواند تصمیم بر استرداد را ابطال نماید. ولی، در رویه سابق شورای دولتی ترکیه تاکنون تصمیمی در خصوص ابطال تصمیم استرداد وجود نداشته است.

اخیراً حکمی به شماره ۱۹۹۴/۵۱۹۱K-۱۹۹۴/۷۸۱ES از شعبه ۱۰ شورای دولتی مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ این رویه را مورد تأیید قرار داده است. در این پرونده، شخص پس از ترك تابعیت ترکیه و کسب تابعیت آمریکا، در ایالات متحده آمریکا به

اتهام قاچاق مواد مخدر تحت تعقیب قرار گرفته و بازداشت شده بود. این فرد پس از فرار از بازداشتگاه آمریکایی «ایلینو» به ترکیه آمده بود. ذینفع به منظور کسب مجدد تابعیت ترکیه تقاضا داده بود. شورای دولتی با استناد به ارزیابی و تحقیقات دادگاه نخستین بدون بررسی و معترض و تجدیدنظرخواهی در شورای دولتی را رد نمود.

وانگهی، با فرض اینکه اسباب و جهات استنادی در استدلال حکم اغلب با امنیت یا منافع دولت ترکیه و با کشورهای خارجی ارتباط دارد، دولت می‌تواند طبق بند ۳ ماده ۲۰ قانون راجع به آیین دادرسی اداری، با مدارک و دلایل این اسباب و جهات را رد کند. این موضوع ارزیابی دلیل را برای معترض احتمالی دشوارتر می‌سازد و در نتیجه او عملاً و اغلب به استرداد خود راضی می‌شود و خود را به تشریفات مبهم و نامعلوم مبتلا نمی‌سازد.



اترك فضول الكلام و حسبك من الكلام ماتبلغ به حاجتك

از سخنان بیهوده چشم ببوش، سخنی که رفع حاجت نماید تو را کفایت کند.

حضرت محمد (ص) نهج الفصاحه